

#### یادداشت

### آفتاب آمد دلیل آفتاب

از رئیس‌جمهور نهج‌البلاغه‌دان انتظار داریم که بگویند چرا حضرت علی (ع) در ۲۳ سال سکوت خود به گسترش باغات خرما و توسعه می‌پرداخت. از رئیس‌جمهور انتظار داریم اهداف توسعه‌یابدار را ببیند و به جای آنکه سیاست‌های توسعه‌یابدار را ندانسته نفی کند یا در آن تعلل ورزد، به دقت به آن ببیندشود. چه خوب بود که در یک نشست عمومی اهداف توسعه‌یابدار را می‌خواندند و درباره آن اظهارنظر می‌کردند و آن وقت می‌گفتند کدام را باید تخریب‌نگردن طبیعت، یعنی صرفه‌جویی در مصرف بنزین، یعنی ارتقای کالامالت انسانی، قیمتی شده، امر توسعه را به انجام خواهیم‌رسانند. در سال‌های گذشته و همین حالا حتی با سیاست‌های اظهاری رئیس‌جمهور محترم توسعه مخرب در حال انجام است. گسترش بی‌رویه شهرنشینی و مظاهر تجملی، توسعه تعداد اتوبسل‌های بنزین‌خور (که به‌عنوان درمان کمبود آاز و بنزین وارد و تولید می‌کنند) توسعه فرهنگ مصرف و دیگر توسعه‌های مخرب. به استحضار ریاست‌جمهور محترم می‌رساند که توسعه‌یابدار یعنی تخریب‌نگردن طبیعت، یعنی صرفه‌جویی در مصرف بنزین، یعنی ارتقای کالامالت انسانی، یعنی جلوگیری از فساد، یعنی گسترش دانش، یعنی دست‌یازیدن به فناوری جدید، یعنی بهینه‌کردن مصرف در کشور، یعنی حفظ سرزمین؛ درحالی‌که ما به اینها بی‌اعتنا هستیم و توسعه را در ساختن برج‌های لوکس، واردات اتوبسل، ساخت خودروی برعکس‌فرقدیمی، ازین‌بردن طبیعت و این‌گونه کارها دیده و به آن مغشولیم و جلوی آن را هم نمی‌گیریم. اگر به توسعه‌یابدار نیندیشیم و با قدرت و صلابت به مرحله اجرا نگذاریم، چیزی جز فقر نتیجه آن نخواهد بود و مردم تکیده و ناامید می‌شوند. آقای رئیس‌جمهور مطمئن باشید با شرایط فعلی فقط فقر را گسترش خواهید داد و ناترازی‌های روزبه‌روز بیشتر می‌شود. ترازوهای دوگفته سابق وقتی ناترازی‌شان بیشتر می‌شد، کف آن به زمین می‌خورد و بر زمین می‌نشست. خدا کند که ناترازی‌های ما که عاملش نبود توسعه‌یابدار است، ما را بر زمین میکوبد کند که نهایت آن و چاره آن در زیر خاک رفتن است.

«آیا ایده‌ها از صفحه اول»

### این قتل‌ها نشانه چیست ؟

قتل روز سه‌شنبه ۲۲ آبان‌ماه ۱۴۰۳ روی داد و دختر ۱۴ساله این خانواده در زمان ارتکاب جنایت، موقوف به فرار از منزل شده و در خانه همسایگان پناه گرفته است (ایسنا).

**۲- شلیک دو گلوله به سر دختر ۱۶ساله به دست پدرش**

مردی که با شلیک دو گلوله به سر دختر ۱۶ساله خود، او را به قتل رساند، گفت: «با بررسی پیامک‌های تلفن دخترم برابم محرز شد او با یک مرد ارتباط دارد و تصمیم به قتل گرفتم. حالا هم نه پشتیبانم و نه عذاب وجدان دارم. باید او را می‌کشتم». (ایرنا).

**۳- خودکشی قهرمان پس از کلب نامتعارف رشت**

سپهر ساعتچی، ورزشکار قایق‌رانی که یکی از حاضران در کلب نامتعارف شهر رشت بود، با گذاشتن وثیقه از بازداشت آزاد شد و سپس اقدام به خودکشی کرد (تابناک).

**۴- قتل یک پزشک متخصص در یاسوج مقابل طبش**

مسعود داودی، پزشک و متخصص قلب و عروق، شامگاه روز دوشنبه پس از خروج از مطب خود در شهرستان یاسوج، به دست برادر یک بیمار فوت‌شده به قتل رسیده است. رئیس کل دادگستری یاسوج اعلام کرد که قاتل این پزشک بازداشت شده است.

مسعود داودی استاد قلب دانشگاه علوم پزشکی یاسوج بوده است.

**۵- در یکی، دو روز قبل از آن هم خبرقتل منصوره قدیری جاوید، خبرنگار ایرنا، به دست همسرش به دلیل اختلافات خانوادگی (گزارش مشروح در روزنامه سازندگی ۲۲ آبان ۱۴۰۳).**

**۶- مردی که سر همسرش را با کلنگ شکافت و مدعی شد او «۱۰روز بود با من روابط عاطفی نداشت» (عصر ایران).**

اگر به رشته‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی حقوق، جامعه‌شناسی جزایی و روان‌شناسی اهمیت داده می‌شد و متخصصان این رشته‌ها می‌توانستند در این پرونده‌ها ورود کنند و بدون سانسور و محدودیت،اطلاعات کسب کنند و زیر دربین قرار دهند و مطالعات آسیب‌شناختی انجام داده و راهکار نشان دهند، تکرار این حوادث کمتر می‌شد. مشکل مدیریت کشور این است که به اینها به چشم حوادثی نگاه می‌کنند که در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد و عادی است. درحالی‌که اینها مقدمات بحران‌های عمیق است. هرکدام از این حوادث در حکم یک نشانه بالینی هستند که در یک مدیریت با رویکرد غیرعلمی، هیجانی، شعاری، سطحی و ایدئولوژیک به چشم نمی‌آیند. همه این خبرها جنبه‌های نمادین مهمی دارند. اولی و دومی، نمونه‌ای از صدها حادثه دیگر که با اسلحه گرم رخ داده و نشان می‌دهد سلاح غیرمجاز به نحو گسترده‌ای در دست مردم وجود دارد و هر آن ممکن است بر اثر یک خشم فاجعه‌ای آفریده شود. این حجم از سلاح در صورت وقوع بحران بسیار خطرناک است. سومی، نمونه دیگری از انتشار صدها فیلم افشاکری از حوزه خصوصی افراد است که تاکنون در چند مورد منجر به وقایع تلخی شده است و جنبه دیگر آن هم خودکشی پس از آزادی از زندان است. چهارمی هم نمونه‌ای از چندین قتل مشابه در سال‌های اخیر است که افراد خود را در جایگاه یک متخصص دیده و خطای پزشکی تشخیصی می‌دهند و دست به تلافی می‌زنند. نکته مهم آن است که در این موارد غالباً به دستگاه قضائی مراجعه نمی‌کنند. حوادث زیادی رخ داده که ناشی از مراجعه‌نگردن به دستگاه قضائی است. دلیل مراجعه‌نگردن به دستگاه قضائی هم طولانی‌بودن زمان دادرسی است که برای شاکیان تحمل‌ناپذیر است و غالباً به دلیل اینکه تصور می‌کنند از طریق قضائی حق‌شان استیفا نمی‌شود، خودشان استین‌بالا می‌زنند. عنصر ناموسی و اختلاف خانوادگی از ویژگی‌های سیلاری از حوادث است. تعداد سرسام‌آور پرونده‌های حقوقی و قضائی در این زمینه که نیازمند مطالعات دقیق کارشناسی برای گره‌گشایی هستند، ابعاد هولناک آن را نشان می‌دهد. با یک نگاه به دوروبر خود، کمتر توبیخ‌ارادها را می‌بینید که اسیر چنین مشکلاتی نباشد. همه اینها نشانه‌های وضعیت ناآرامی، نگرانی، و وضعیت ناآرامی است و بی‌تجاری از مفاهیم کلیدی و مهم در شناخت عمیق‌تر و جامعه‌شناسانه این حوادث است. مطالعه و فهم منابع درونی و بیرونی فروریختن یا تغییر ارزش‌ها و هنجارها، جایگاهی در مدیریت کلان و خرد در کشور ندارد. نه‌تنها آثار چنین توجهی را نمی‌بینیم، بلکه برخی از تصمیمات و احکام و قانون‌گذاری‌ها دقیقاً در راستای تشدید وضعیت ناآرامی عمل می‌کنند. قانون بودجه جرم‌زا، قانون عفاف و حجاب، توقیف هرروز ماشین‌ها و کلیتیک ترک بی‌حجابی تنها نمونه‌های اخیر آن هستند.

## تراپ و سیاست‌های خودروپی

در چهارمین همایش صنعت خودرو که در ۲۴ بهمن از طرف ایدرو برگزار شد، یک گروه از سوی شرکت‌های آمریکایی برای بررسی بازار خودروی ایران در این همایش شرکت داشتند، اگرچه این موضوع مطبوعاتی نشد و سخنرانی‌ای هم از سوی این گروه نشد ولی خروجی این گروه که نزدیکی خواسته‌های بازار ایران به محصولات تولیدشده شرکت‌های آمریکایی بود، جالب بود و از زبانی تولید خودرو در کشور از سوی این گروه این بود که همکاری مشترکی در موضوع قطعات و پلتفرم می‌تواند انجام شود. هرچند این موضوع به نتیجه نرسیده، ولی گزارش ارائه‌شده درباره بازار خودروی ایران و تحلیل ارائه‌شده در نوع خود جالب بود. آنچه در آخر می‌توان به آن اشاره کرد، این است که اگر شرایط همکاری برای اقتصاد دو کشور در آینده ایجاد شود، فارغ از همه دشمنی‌های آمریکا در دوره دوم ترامپ که با رویکرد صحیح و نحوه برخورد غیر زورگویانه در اقتصاد در تعامل قرار گیرد، این است که همکاری با شرکت‌های خودروساز آمریکایی می‌تواند به نوع نیازهای داخلی و سلیقه مردم ایران بیشتر نزدیک شود اما این وقتی است که در کل سیاست‌های دولت آمریکا در خیال ایران تغییر و عملاً تخریب‌های ناآعادانه وضع‌شده جهانی که هم‌سرشا آن آمریکاست، از این رویکرد آخر آن هستند.

«آیا ایده‌ها از صفحه اول»

تهدید علیه تمامیت ارضی ایران با ورود اتحادیه اروپا به ادعای بی‌اساس امارات علیه بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک، وارد مرحله‌ای جدید شده که واکنش‌های گسترده ایرانیان را در پی داشته است. اما این بار واکنش ایرانیان متفاوت‌تر از همیشه بوده و هماهنگی رسمی دولت و رسانه ملی با خواست مردم بیش‌ازپیش انجام خورده است. از کاربرد پیاپی نام بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک در رسانه‌های همگانی و فضاهای تبلیغاتی نشانه‌ها تا نمایش نام بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک در پخش‌های زنده ورزشی تا حضور وزیر ورزش و جوانان و قهرمانان نامدار ورزشی در جزیره بوموسا اقدامی ارزشمند بوده که انتظار می‌رفت خیلی زودتر از اینها اتفاق می‌افتاد. اگر زمانی که دولت چین از ادعای بی‌اساس امارات علیه تمامیت ارضی ایران دفاع کرد، به جای اعتراضی بسیار نرم و محتاطانه، واکنشی درخور و متناسب از سوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی انجام می‌شد، پس از آن شاهد تکرار این گستاخی از طرف روسیه و سپس اتحادیه اروپا نمی‌بودیم. در چنین شرایطی انتظار می‌رفت دستگاه دیپلماتیک، پیرو اصل مقابله‌به‌مثل، با توجه به حساسیت‌های چین درباره امارات که حتی نام این کشور را به رسمیت نمی‌شناسد و از همه کشورهای می‌خواهد نام تاییه چین (در ایران به غلط چین تاییه) را به کار گیرند، از استقلال تایوان از چین دفاع می‌کرد تا چین، میزان حساسیت ایرانیان به خاک و آب و حفظ تمامیت ارضی خود را با فهمد یا برابر روسیه دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی باید از تعلق جزیره‌های اشغالی کوریل روسیه به زاین حمایت می‌کرد یا به طور رسمی از تمامیت ارضی اوکراین برابر روسیه دفاع می‌کرد، امارات، روسیه و چین بفهمند ایرانیان باغیرت واصل، از تسهیل حمایت‌های مقطعی و ناپایدار سیاسی و تجاری و اقتصادی، حاضر به چشم‌پوشی یا مذاکره (بخوانید معامله) بابت تمامیت ارضی خود نیستند. بی‌تردید نبود واکنش مناسب و مقابله‌به‌مثل متناسب و به‌موقع از سوی دستگاه دیپلماتیک ایران به گستاخی ضد ایرانی امارات و روسیه و چین، از اصلی‌ترین دلایل تکرار ادعای گستاخانه و بی‌اساس روسیه و تمامیت ارضی ایران و حمایت چین و روسیه و اتحادیه اروپا از آن بوده است.

در همین راستا، مشابه تهدیدهای ضد ایرانی امارات را به تهدید علیه تمامیت ارضی ایران با ورود اتحادیه اروپا به ادعای بی‌اساس امارات علیه بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک، وارد مرحله‌ای جدید شده که واکنش‌های گسترده ایرانیان را در پی داشته است. اما این بار واکنش ایرانیان متفاوت‌تر از همیشه بوده و هماهنگی رسمی دولت و رسانه ملی با خواست مردم بیش‌ازپیش انجام خورده است. از کاربرد پیاپی نام بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک در رسانه‌های همگانی و فضاهای تبلیغاتی نشانه‌ها تا نمایش نام بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک در پخش‌های زنده ورزشی تا حضور وزیر ورزش و جوانان و قهرمانان نامدار ورزشی در جزیره بوموسا اقدامی ارزشمند بوده که انتظار می‌رفت خیلی زودتر از اینها اتفاق می‌افتاد. اگر زمانی که دولت چین از ادعای بی‌اساس امارات علیه تمامیت ارضی ایران دفاع کرد، به جای اعتراضی بسیار نرم و محتاطانه، واکنشی درخور و متناسب از سوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی انجام می‌شد، پس از آن شاهد تکرار این گستاخی از طرف روسیه و سپس اتحادیه اروپا نمی‌بودیم. در چنین شرایطی انتظار می‌رفت دستگاه دیپلماتیک، پیرو اصل مقابله‌به‌مثل، با توجه به حساسیت‌های چین درباره امارات که حتی نام این کشور را به رسمیت نمی‌شناسد و از همه کشورهای می‌خواهد نام تاییه چین (در ایران به غلط چین تاییه) را به کار گیرند، از استقلال تایوان از چین دفاع می‌کرد تا چین، میزان حساسیت ایرانیان به خاک و آب و حفظ تمامیت ارضی خود را با فهمد یا برابر روسیه دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی باید از تعلق جزیره‌های اشغالی کوریل روسیه به زاین حمایت می‌کرد یا به طور رسمی از تمامیت ارضی اوکراین برابر روسیه دفاع می‌کرد، امارات، روسیه و چین بفهمند ایرانیان باغیرت واصل، از تسهیل حمایت‌های مقطعی و ناپایدار سیاسی و تجاری و اقتصادی، حاضر به چشم‌پوشی یا مذاکره (بخوانید معامله) بابت تمامیت ارضی خود نیستند. بی‌تردید نبود واکنش مناسب و مقابله‌به‌مثل متناسب و به‌موقع از سوی دستگاه دیپلماتیک ایران به گستاخی ضد ایرانی امارات و روسیه و چین، از اصلی‌ترین دلایل تکرار ادعای گستاخانه و بی‌اساس روسیه و تمامیت ارضی ایران و حمایت چین و روسیه و اتحادیه اروپا از آن بوده است.

در همین راستا، مشابه تهدیدهای ضد ایرانی امارات را به

### تهدید تمامیت ارضی ایران از امارات تا باکو

## امر ملی تعطیل بردار نیست



میرمهرداد میرسنجری

**دانشیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئوپلیتیک**

طور مکرر از سوی رژیم مستقر در باکو هم شاهدیم که در طول ۲۳ سال از استقلال این کشور، از اتحاد جماهیر شوروی، هیچ‌گاه واکنش درخور و متناسب را از سوی دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی دریافت نکرده است. به طور مثال همان‌طور که امارات در نقشه‌های رسمی خود، بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک را به رنگ خاک امارات و جزء خاک خود ترسیم می‌کند، دولت باکو هم در نقشه‌های رسمی و در کتاب‌های درسی مدارس، تبریز و آذربایجان هزاران‌ساله ایران را بخشی از قلمرو تاریخی رژیم باکویی ترسیم و معرفی می‌کند که تنها ۳۳ سال از استقلالش از شوروی می‌گذرد! این در حالی است که بنیان‌گذار نخستین جمهوری باکو در سال ۱۹۱۸ به نام محمدامین رسول‌زاده، در کتاب خود به نام «چگونگی شکل‌گیری جمهوری آذربایجان» اعتراف کرده شمال ارس در تاریخ اران و ششرون بوده و برای تشکیل جمهوری در باکو، نام آذربایجان را از ایران سرقت کرده است! نکته جالب توجه اینکه حتی دولت احمدشاه قاجار هم در سند مورخ ۲۸ اگوست ۱۹۱۸ میلادی، تن به شناسایی نام آذربایجان برای سرزمین‌های اشغالی تاریخی اران و ششرون نداد، با این رویکرد درست‌که به رسمیت شناختن استقلال یک کشور با نام بخشی از خاک قلمرو ایران، تهدیدی مستقیم خواهد بود علیه تمامیت ارضی ایران و آذربایجان واقعی و تاریخی به مرکزیت تبریز. ولی متناسفانه نگاه دولت وقت ایران در هنگامه استقلال جمهوری‌های قفقازی از شوروی در ۱۹۹۱ میلادی به این منجر شد که نه‌تنها با مطالبه مردمی الحاق ۱۷ شهر قفقازی اشغالی ایران مخالفت شد، بلکه استقلال جمهوری باکو با سهل‌انگاری مطلق به رسمیت شناخته شد؛ آن‌هم بدون مقابله تغییر نام! درحالی‌که در موردی مشابه یونان هرگز جمهوری

»

»

## هشدار به دولت وفاق ملی؛ چرا به نانویان بی توجهی می‌کنید؟



داود علی بابایی

پژوهشگر اجتماعی

نان سنتی که با شرف‌ترین کسبه بودند، دست به تخلف نزدند و همچنان به کار خود ادامه دادند.
۲- اداره غلّه مقداری از سه‌میه آرد نانویان را در تمام کشور کاهش داد و توجهش این بود که دستگاه‌های کارت‌خوان هوشمند ملاک دریافت سه‌میه آرد است و به‌این‌صورت زمانی دیگری بر این صنف زحمتکش وارد آمد.

۳- متأسفانه مراکز توزیع آرد، کیسه‌های ۴۰ کیلوگی را کاهش داده و برخی از این کیسه‌ها به ۲۶ کیلوگرم رسیده است که با این کار هم ضربه مالی دیگری به صنف نانوا وارد آمد.

شاید دولت می‌خواهد هزینه دستگاه‌های کارت‌خوان هوشمند نان را که ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه داشته است، از صنف نانوا بگیرد. من از دولت وفاق ملی که خود را حامی مردم به‌ویژه کارگران و کسبه می‌داند، می‌پرسم که این احیاف به صنف نانوا نیست؟ کفایت نانوبی که جزء مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود. اگر دولت فکری برای جبران خسارت این نانویان نکند، بر واضح است که آنها هم برای جبران هزینه‌های خود دست به تخلف‌های شغلی و مالی از جمله کاستن از وزن نان و آردفروشی بزنند.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

»

## روز جهانی کیفیت



حسین ناصری

**روان‌شناس پیشگیری**

کارگاه‌ها و حتی کسب‌وکاه‌های اینترنتی در حوزه‌های مختلف صنعتی، بهداشتی ، آموزشی، غذایی و… این تلنگر را وارد می‌کند که هر یک به سهم خود، نقش مهمی در بهبود امور و ارتقای کیفیت زندگی خواهند داشت. در روز کیفیت قرار بر این است که درباره اینکه «چه کار کنیم تا مسئولیت یا وظیفه‌مان باکیفیت‌تر، امین‌تر، قابل‌اطمینان‌تر، مشتری‌پسندتر و حتی اقتصادی‌تر شده و در نهایت آن بخش از رضایت عمومی که به ما مربوط می‌شود، رشد کند». تامل کرده و تاملات خود را اجرا کنیم. با توجه به اینکه کلمه کیفیت بار فرهنگی دارد، لازم است از آن زاویه نیز بررسی شود. کیفیت در فرهنگ ایرانی دارای دو چهره دکتر جکیل و آقای هاید است. با توجه به وجود کیفیت فوق ممتاز هنرهای تاریخی نظیر خطاطی، تذهیب، منبت، معماری، فرش‌بافی و در رأس آنها شعر، این مفهوم در فرهنگ ایرانی کاملاً شناخته‌شده است. از سوی دیگر، وجود عبارتی نظیر «سمبل‌کردن»، «ماست‌مالی‌کردن» و «سخت‌نگری» در زبان روزمره گواه آن است که گویی ما ایرانیان انتظار خود را از انجام کارهای باکیفیت به‌شدت تنزل داده و به کیفیت متوسط روبه‌پایین، بسنده کرده‌ایم. در این موضوع که البته ارزیابی‌های عمیق‌تر جامعه‌شناختی فرهنگی را می‌طلبد، یک نکته روان‌شناختی مهم وجود دارد و آن هم این است که تا مادامی‌که کیفیت وارد سیستم ارزشی فرد نشود، افراد و در نتیجه جامعه، دغدغه چندانی به آن نداشته و در نتیجه نارضایتی مصرف‌کنندگان انواع و اقسام کالا و خدمات را به دنبال خواهد داشت. با توجه به اینکه این روز از تقویم ایران رخت پرسته است، نمی‌توان انتظار کارزارهای رسانه‌ای، میزگرد، سخنرانی و موارد مشابه را داشت؛ کم‌اینکه در سایر مناسبت‌های جهانی که در تقویم کشور نیز ثبت شده است، در خیلی از اوقات نشان‌دهی چندانی در سطح خود و خیابان و حتی صدایسما برای آگاه‌سازی عمومی دیده نمی‌شود. سازمان ملی استاندارد

مقدونیه را تا هنگام تغییر نام به رسمیت نشناخت، به دلیل پتانسیل تهدید تمامیت ارضی بخش اعظم مقدونیه تاریخی در درون خاک یونان! دراین‌میان جلسه اخیر دکتر پزشکیان در قامت رئیس‌جمهور اسلامی ایران با افرادی با کرایش افراطی قومی به باکو که ایران و زبان ملی و رسمی ملت ایران را قبول ندارند و به طور علنی اعلام می‌کنند تجزیه‌طلب هستند، هم با واکنش شدید توأم با نگرانی آحاد ملت ایران مواجه شده است.

فراجم سخن اینکه در هر برهه زمانی و در هر نقطه از جهان و با هر کرایش و سلیقه سیاسی نخستین وظیفه ذاتی هر رئیس دولت مستقر در ایران هم تعهد عملی به حفظ تمامیت ارضی و حدود و نفوذ مرزهای ملی و پیشگیری از هر تهدیدی از سوی دشمنان و رقیبان منطفه‌ای و همسایگان است و اینکه تصور کنیم به واسطه منافع کوتاه‌مدت سیاسی و تجاری و اقتصادی می‌توانیم از «امر ملی» غفلت و چشم‌پوشی کنیم، به‌هیچ‌روی پذیرفتنی نیست و در حقیقت، «امر ملی تعطیل‌بردار نیست».

فراورش نکنیم که در ایران یک ملت داریم، به نام ملت ایران و یک زبان و رسمی داریم، به نام زبان فارسی که برخلاف تبلیغات تجزیه‌طلبان بیگانه‌پرست، متعلق و در انحصار قومی ناپیدا به نام فارس نیست، بلکه میراث هزاران‌ساله مشترک و عامل پیوند تک‌تک ملت ایران با هر گویش و زبان محلی است؛ از آذری و کردی و مازندرانی تا گیلانی و بلوچی و لری و… و یک پرچم ملی داریم به نام پرچم ایران و اگر هرکس به خود حق دهد نگاه محلی خود را به کل کشور تعمیم دهد و زبان محلی خود را جایگزین زبان رسمی کشور کند، دیگر چیزی به نام کشور ایران و ملت ایران و هویت ایرانی وجود نخواهد داشت.

امارات و جمهوری باکو و چین و روسیه و اتحادیه اروپا هم بهتر است بدانند که طبق حقوق شهروندی، همه ایران، ملک مشاع همه ملت ایران است و بوموسا و تنب بزرگ و تنب کوچک و تبریز و تبریک ۹۰ میلیون جمعیت دارند و برای ایرانی هیچ فرقی با خرمشهر ندارند و کسب‌وکاری که ۶۰۰ هزار شهید و جانیان و جاویدانر سرلراز را اهدا کرده، این‌ها حجب و حجب خاک ایران و در برابر طمع ارضی صدام حسین ملعون، قطعاً امروز هم چشم طمع هر منجاوزی به خاک پاک ایران را کور خواهد کرد.

#### یادداشت

#### دولت وفاق

**یا دولت-ملت وفاق**

#### محمدهادی جعفرپور

**وکیل دادگستری**

بازخوردها و تحلیل‌هایی که این روزها از مصداق و مفهوم وفاق در دولت چهاردهم مطرح شده، موجبی است تا بنا بر حوادث تاریخ معاصر، به مفهوم دولت به معنای کلی آن یعنی شیوه حکمرانی نگاهی گذرا داشته باشیم.

تحولات سیاسی یک قرن گذشته گواه این ادعاست که ایران در مسیر دولت‌سازی، درگیر چالش‌های متنوعی از قبیل مبارزات سیاسی و کنشگش‌های جاری بر سر قدرت بوده است. مسیر ایران در دولت‌سازی نه با الگوی شکل‌گیری در اروپا سازگار است، نه با الگوی دولت‌های استعماری، بنابراین باید پذیرفت که دولت در ایران محصول جنگ، مالیات یا استعمار نیست، بلکه موقعیت ایران با توجه به شرایط خاص سرزمینی، قومیتی و… در متن تحولات اجتماعی و سیاسی منطقه همواره تأثیرگذار بوده، طوری که از معنای دولت ایران مفهوم منحصر‌به‌فردی ساخته‌که قابل بررسی است. این مهم از آنجا قابل اهمیت و توجه بیشتر است که دولت‌ها در ایران در یک قرن گذشته درگیر موضوعاتی از قبیل، قطعی، جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، انقلاب، جنگ، سازندگی و … بوده‌اند که هر یک از این حوادث تاریخی و اجتماعی مفهوم دولت به معنای شیوه حکمرانی یک ساختار سیاسی کافی است؛ اما این کشور، واجد چنان پتانسیلی است که با هیچ کشور دیگری در منطقه و حتی جهان قابل قیاس نیست.

ایران در این مسیر با این ضرورت مواجه بوده که میان اعمال دموکراتیک و الزامات توسعه و مطالبات برای حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود توازن برقرار کند.

تجربه دولت‌سازی در ایران مؤید آن است که علاوه بر تحمل ناآرامی‌های اجتماعی در مقطعی، باید با باشکاران خارجی، امپریالیسم، جنگ و کفایت نیز دست‌وپنجه نرم کرد. ایرانیان در سال ۱۲۸۵ پذیرفتند که قانون‌مداری و پایبندی به حکومت قانون سبب ارتقای کشور شده و اقتدار سیاسی را در برابر اراده عمومی پاسخ‌گو می‌کند؛ اما وقتی نتواند کنترل قدرت آن دولت را حفظ کند، ولی توازن کنترل قدرت آن دولت را نداشتند و همین‌که این دولت در دهه ۱۳۱۰ اقتدارگراتر می‌شد، دوام و استحکامش فرسایش می‌یافت که سرگذشت آن دولت مؤید چنین دیدگاهی است.

امروزه ایرانیان تلاش می‌کنند تا مهار قدرت را در دولت ماندگار کنند که شعار دولت وفاق نمادی است از این اراده جمعی و یادگار تجربه‌ای است که ایرانیان با تمام وجود ابعاد آن را لمس کرده و هزینه‌هایش را پرداخته‌اند.
باین‌حال، آنچه لازم است از سوی دولتمردان مورد توجه واقع شود و بیش از پیش به آن بپردازند، آن است که مردم ایران اعمال قدرت دولت در جمهوری اسلامی را بر مدار قانون و احترام به آزادی‌های عمومی که در عبارت حفظ کرامت انسانی خلاصه می‌شود، قبول دارند و ایسن به معنای مهار قدرت و توجه به مطالبات دموکراتیک مردم است. امر و قاعداهای که در دولت‌سازی از آن به توازن قدرت یاد می‌شود.
تجربه سال‌ها تلاش برای استقرار نهاد دولت-ملت مؤید این نکته مهم است که هیچ دولتی بدون توجه به توقعات ملت، به نقطه ایدئال حکمرانی که همانا استقرار آرامش و امنیت آن هم در ابعاد گسترده آن است، نرسیده است، اگر شرایط خاص منطقه و آوارهای به‌جامانده از عملکرد پیشینیان را بابقالی دولت چهاردهم بدانیم که بی‌شک چنین است، از خوش‌ایقالی این دولت آن است که در چند سال گذشته خواست و توقع مردم عریان و شفاف در رکف جامعه مطرح شده است که برآورده‌گردن این توقعات، با وجود برخی موانع، کار سختی نیست.

برای مثال پرداختن به مسئله فیلترینگ، رفع چالش حجاب، توجه به حقوق و دستمزد کارگران و سایر مستخدمان دولتی و در قالب یک توقع عام و کلی توجه به معیشت مردم، تعریفی درست و منطقی از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم را می‌توان تیرت توقعات مردمی تلقی کرد. بنابراین لازم است دولت چهاردهم در مورد به‌وزارت قدیم‌هایی که برای وفاق در درون دولت برمی‌دارد، کامی عمیق و البته عملیاتی برای ایجاد وفاق با ملت بردارد، بلکه شاهد مصداقی عینی و قابل احترام از نهاد دولت-ملت باشیم.